

- (المرأة في دين الله...).

- (زن در دين خدا...)

خامساً:

پنجم:

من يقول إنّ المرأة ظلمت بتشريع معين ([15]) مثل الإرث أو الشهادة لابد أن يبين لنا ميزانه ووزنه القياسي الذي على أساسه يحدد العدل والظلم وبالتالي قرر وقطع أنّ المرأة يجب أن تساوى مع الرجل في كل شيء، مع أننا نرى جميعاً أنّ المرأة لاتساوي الرجل في كل شيء ([16]).

كسى كه مى‌گويد به زن در تشريعى خاص مانند ارث يا شهادت، ستم شده است [۱۵] بايد براى ما، ملاك و ميزان قانونى خودش را كه بر اساس آن عدالت و ستم مشخص مى‌شود را روشن كند؛ و در نتيجه روشن كند و اثبات نمايد كه بايد زن با مرد در همه‌چيز مساوى باشد؛ در حاليكه همه ما مى‌بينيم زن با مرد در همه‌چيز مساوى نيست. [۱۶]

وأيضاً من يريد أن يوجه النقد لتشريع معين ضمن منظومة قانونية وتشريعية عليه أن يلاحظ هذا التشريع كجزء من هذه المنظومة ولا يقتطع هذا الجزء ويعامله بمعزل عن المنظومة ككل.

همچنین کسی که می‌خواهد در یک سیستم تشریح و قانون‌گذاری، تشریح
مشخصی را نقد کند، باید این تشریح را مانند بخشی از این سیستم در
نظر بگیرد و این بخش را جدا نکند و با آن به‌صورت جدای از سیستم
به‌عنوان یک کل، برخورد نکند.

المفروض أن ينظر إلى حقوق المرأة وواجباتها في القانون الإلهي على الأقل
لا أن ينظر إلى الحقوق فقط ويقول إن المرأة أعطيت حقوق أقل من الرجل في
القانون الإلهي، لماذا لا ينظر إلى الواجبات ويقول إن الرجل حمل واجبات أكثر
من المرأة في القانون الإلهي؟

دست‌کم به حقوق زن و واجباتش در قانون الهی توجه کند؛ نه اینکه فقط به
حقوق توجه کند و بگوید در قانون الهی به زن، حقوقی کمتر از مرد داده
شده است. چرا به واجبات توجه نمی‌کند و نمی‌گوید در قانون الهی مرد
واجبات بیشتری نسبت به زن دارد؟!

وكمثال شخصين أحدهما كلفته ببناء ارتفاعه خمسة طوابق والآخر عشر
طوابق هل من العدل أن أعطيها نفس كمية مواد البناء ونفس المبلغ للبناء؟
ولو أعطيت صاحب العشر ضعف صاحب الخمسة هل يصح أن يأتي
شخص ويقول أنت ظالم لأنك لم تساوي بين الاثنين وكلاهما يعمل عندك؟
أعتقد أن من يقول إن المرأة ظلمت بهذا التشريع فكلامه وقراره ارتجالي بعيد
عن البحث العلمي الدقيق.

به‌عنوان مثال دو شخص را در نظر بگیرید که یکی از آنها به ساختن بنایی
به بلندی پنج طبقه و دیگری به بلندی ده طبقه تکلیف شده‌اند. آیا عادلانه
است به هر دو، مقدار مصالح ساختمانی و بودجه یکسانی داده شود؟! و
اگر به صاحب ده طبقه دو برابر صاحب پنج طبقه داده شود، آیا صحیح است
کسی بیاید و بگوید: شما ستمکار هستید، چرا که بین این دو نفر مساوات

را رعایت نکرداید در حالی که هر دو برای شما کار می‌کنند؟! به نظر من کسی که بگوید به واسطه این تشریع به زن ظلم شده، گفتار و نظرش خام و بهرور از بحث دقیق علمی است.

[15]- التشريع عند اليهود والمسيحيين أيضاً لا يساوي بين الجميع، وكمثال قانون الإرث لا يساوي بين المرأة والرجل في العهدين القديم والجديد:

1. فتقدمت بنات صلفحاد بن حافر بن جلعاد بن ماكير بن منسى، من عشائر منسى بن يوسف. وهذه أسماء بناته: محلة ونوعه وحجلة وملكة وترصة 2 ووقفن أمام موسى وألغازار الكاهن وأمام الرؤساء وكل الجماعة لدى باب خيمة الاجتماع قائلات 3 أبونا مات في البرية، ولم يكن في القوم الذين اجتمعوا على الرب في جماعة قورح، بل بخطيته مات ولم يكن له بنون 4 لماذا يحذف اسم أبينا من بين عشيرته لأنه ليس له ابن؟ أعطنا ملكاً بين إخوة أبينا 5 فقدم موسى دعواهن أمام الرب 6 فكلم الرب موسى قائلاً 7 بحق تكلمت بنات صلفحاد، فتعطينهن ملك نصيب بين إخوة أبيهن، وتنقل نصيب أبيهن إليهن 8 وتكلم بني إسرائيل قائلاً: أيما رجل مات وليس له ابن، تنقلون ملكه إلى ابنته 9 وإن لم تكن له ابنة، تعطوا ملكه لإخوته 10 وإن لم يكن له إخوة، تعطوا ملكه لإخوة أبيه 11 وإن لم يكن لأبيه إخوة، تعطوا ملكه لنسيبه الأقرب إليه من عشيرته فيرثه. فصارت لبني إسرائيل فريضة قضاء، كما أمر الرب موسى العهد القديم والجديد - سفر العدد - أصحاح 27.

قال القمص تدرس يعقوب ملطي في تفسير الأصحاح:

(... قانون الميراث وإقامة يشوع: يحوي هذا الأصحاح أمرين جاء في خاتمة حياة العظيم في الأنبياء موسى، هما قصة بنات صلفحاد وتعيين يشوع قائداً للشعب ...

... فالزم الله الجماعة كلها بقانون للميراث فيه يرث الابن أباه، فإن لم يكن للمتوفى ابناً فابنته، وإن لم يكن له ابنة فإخوته، أو أعمامه، أو أقرب من له في عشيرته.....

.... قانون الميراث: بسبب قضية بنات صلفحاد جاء قانون الميراث يعلن الورثة الشرعيين كما قلنا الابن،

فالبنت، فالإخوة، فالأعمام أو أقرب من في العشيرة) تفسير الكتاب المقدس - العهد القديم - القمص

تادرس يعقوب - قانون الميراث وإقامة يشوع تفسير سفر العدد - أصحاح 27.

وكذلك القس أنطونيوس فكري في تفسيره لنفس العدد يقول:

(... وكان قانون جديد أنه إن لم يكن للمتوفى ابن فترثه بنته وإن لم يكن له ابنة فإخوته أو أعمامه أو أقرب من له في عشيرته ونلاحظ:

..... 4- نتيجة إصرار بنات صلفحاد على الحصول على نصيبهن، كان بركة هذا حصولهم على قانون

جديد للميراث (... شرح الكتاب المقدس - العهد القديم - القس أنطونيوس فكري - تفسير سفر العدد -

أصحاح 27.

فهذا مثال من تشريع يعتقد المسيحيون واليهود أنه تشريع وقانون إلهي.

وهذا التشريع لا يساوي في الميراث بين المرأة والرجل فهل هذا أيضاً يعتبر ظلم أو يكفي القول - كبعض

من يفعل الآن - بأن الكنيسة لا توجب تطبيق القوانين بدعوى أن عيسى (ع) لم يحكم بين الناس؟!!

بل الحقيقة أنه لو تسنى لعيسى (ع) أن يحكم لحكم وقضى بحكم الله سبحانه وتعالى، وقد جاء في

الإنجيل:

(17) لا تظنوا أنني جئت لأنقض الناموس أو الأنبياء. ما جئت لأنقض بل لأكمل 18 فإني الحق أقول لكم:

إلى أن تزول السماء والأرض لا يزول حرف واحد أو نقطة واحدة من الناموس حتى يكون الكل 19 فمن

نقض إحدى هذه الوصايا الصغرى وعلم الناس هكذا، يدعى أصغر في ملكوت السماوات. وأما من عمل وعلم، فهذا يدعى عظيماً في ملكوت السماوات) العهد الجديد - إنجيل متى - أصحاح 5.

فهل هذا التشريع والقانون الإلهي الذي جاء به موسى (ع) وأقره عيسى (ع) لأنه ضمن الناموس هل يمكن وصفه بأنه ظالم للمرأة لأنه لم يساوي بينها وبين الرجل؟! ثم حتى لو تنزلنا عن كون هذا التشريع لم يطبق من عيسى (ع) لعدم تمكن عيسى (ع) من إنفاذ الحكم فهل يعتبر المسيحيون اليوم أن هذا القانون كان ظالماً وهو من الله سبحانه وتعالى؟! إذا فكل التشريع الذي جاء به الأنبياء السابقون (ص) قبل عيسى (ع) هو قانون إلهي ولا ينقض أبداً، وأما كون خلفاء الله (ع) مثل عيسى (ع) لم يمكنهم أقوامهم من الحكم فلا ينقض هذه القوانين أو يجعلها ظالمة مثلاً، بل وحتى لما تنسخ الشرائع والأحكام الإلهية بأحكام إلهية أخرى فتبقى الأحكام المنسوخة عادلة وحق منه سبحانه وكلها واقعة ضمن شرع الله وإن تغيرت بعض التفاصيل بحسب الأزمنة والأقوام وبمقتضى الحكمة الإلهية.

[١٥]- شريعت يهود يا نومسيحيان نیز همه را مساوی در نظر نمی‌گیرید؛ مثلاً قانون ارث در عهد قدیم و جدید، زن و مرد را مساوی قرار نمی‌دهد: (ودختران صلفحاد بن حافر بن جلعاد بن ماكير بن منسى، از قبایل منسى بن يوسف، نزدیک آمدند و نامهای دخترانش این است: محلّه، نوعه، حجله، ملکه و ترصه. ٢ و به حضور موسى و عازار کاهن و به حضور سروران و تمامی جماعت، نزد در خیمه اجتماع ایستاده، گفتند: ٣ پدر ما در بیابان مرد و او از آن گروه نبود که در جمعیت قورح بر ضد خداوند هم‌دست شدند؛ بلکه در گناه خود مُرد، در حالی که پسری نداشت. ٤ پس چرا نام پدر ما از این جهت که پسری ندارد از میان عشیرت محو شود؟ از این رو ما را در میان برادران پدرمان نصیبی بده. ٥ پس موسی دعوی ایشان را به حضور پروردگار آورد. ٦ و خداوند موسی را خطاب کرده، گفت: ٧ دختران صلفحاد راست می‌گویند. البته در میان برادران پدر ایشان، ملک موروثی به ایشان بده و نصیب پدر ایشان را به ایشان منتقل کن. ٨ و بنی‌اسرائیل را خطاب کرده، بگو: اگر کسی بمیرد و پسری نداشته باشد، ملک او را به دخترش بدهید. ٩ و اگر او را دختری نباشد، ملک او را به برادرانش بدهید. ١٠ و اگر او را برادری نباشد، ملک او را به برادران پدرش بدهید. ١١ و اگر پدرش برادری نداشته باشد، ملک او را به هرکس از قبیلش که خویش نزدیکتر او باشد بدهید تا از او ارث ببرد. پس این برای بنی‌اسرائیل فریضه‌ای شرعی باشد؛ چنانکه پروردگار به موسی امر فرمود).

(عهد قدیم و جدید - سفر اعداد - اصحاح ٢٧) راهب بزرگ تادریس یعقوب ملطی در تفسیر این اصحاح می‌گوید: «... قانون میراث و جانشینی یشوع: این اصحاح دربردارنده دو نکته در پایان زندگی موسی پیامبر بزرگ در بین انبیاست که عبارتند از داستان دختران صلفحاد و تعیین یشوع به‌عنوان سرپرست قوم... بنابراین این خداوند همه را ملزم به قانون میراث می‌گرداند که در آن پسر از پدر ارث می‌برد و اگر میت پسر نداشته باشد، دخترش از او ارث می‌برد و اگر دختری نداشت، برادران او یا عموهای او یا نزدیکترین عشیره او ارث می‌برند... قانون میراث: به‌سبب قضیه دختران صلفحاد، قانون ارث آمد که ورثه شرعی را بیان می‌دارد و همان‌طور که بیان کردیم عبارت است از پسر، سپس دختر، سپس برادران، سپس عموها یا نزدیکترین عشیره.» (تفسیر کتاب مقدس - عهد قدیم - راهب بزرگ تادریس یعقوب - قانون میراث و جانشینی یشوع تفسیر سفر اعداد - اصحاح ٢٧)

همچنین کشیش آنتونیوس فکری در تفسیر خود در رابطه با همین باب می‌گوید: «... و قانون جدید این بود که اگر میت پسری نداشته باشد دخترش از او ارث می‌برد و اگر دختری نداشته باشد برادران یا عموهایش یا نزدیکترین فرد به او از عشیره‌اش ارث می‌برد؛ ملاحظه می‌کنیم که: ... 4- نتیجه اصرار دختران صلفحاد برای گرفتن نصیبشان؛ برکت این کار موجب شد قانون جدیدی برای میراث به‌دست آورند...» (شرح کتاب مقدس - عهد قدیم - کشیش آنتونیوس فکری - تفسیر سفر اعداد - اصحاح ٢٧) این نمونه‌ای از شریعتی است که مسیحیان و یهودیان به‌عنوان تشریع و قانون الهی به آن معتقدند. این تشریع، مرد و زن را در میراث مساوی قرار نمی‌دهد؛ آیا این هم ظلم محسوب می‌شود؟ یا کافی خواهد بود که بگوییم کلیسا پیاده‌کردن قوانین را واجب نمی‌داند مانند عده‌ای که امروز این کار را انجام می‌دهند زیرا عیسی ع در بین مردم حکومت نکرده است؟! اما حقیقت این است که اگر شرایط حکمرانی برای عیسی ع آماده بود به‌حکم خداوند سبحانه و تعالی قضاوت و حکم می‌کرد. در انجیل آمده است: (17 تصور نکنید من آمدم تا تورات یا انبیا را نقض کنم.

نيامدام آن را نقض کنم، بلکه برای تکمیل آن آمده‌ام. 18 حق را به شما می‌گویم: تا زمانی که آسمان و زمین نابود شود یک حرف یا یک نقطه از تورات از بین نمی‌رود تا همگی واقع گردد. 19 پس هرکس یکی از این احکام کوچکترین را بشکند و به مردم چنین تعلیم دهد، در ملکوت آسمان کمترین شمرده شود؛ اما هرکه به عمل آورد و تعلیم نماید، او در ملکوت آسمان بزرگ خواهد شد). (عهد جدید - انجیل متی - اصحاح 5) آیا امکان دارد این تشريع و قانون الهی که موسی ع آورد و عیسی ع به آن اقرار کرده است زیرا در چهارچوب تورات قرار دارد- این‌گونه وصف شود که در حق زن ظلم می‌کند، زیرا زن و مرد را مساوی قرار نداده است؟! حتی اگر کوتاه بیاییم که چون عیسی ع امکان حکومت نداشته به این تشريع عمل نکرده است، آیا امروزه مسیحیان این قانون را در حالی که از سوی خداوند سبحان و متعال است ظلم می‌پندارند؟! بنابراین همه شریعت‌هایی که انبیای قبل از عیسی ع آوردند قانون الهی است و ابدا باطل نمی‌شود؛ اما اینکه قوه‌های خلفای خداوند ع مانند عیسی ع برای آنها امکان حکمرانی را فراهم نکرده‌اند موجب نقض این قوانین یا ظالمانه بودنشان نمی‌شود؛ حتی زمانی که شرایع و احکام الهی با احکام الهی دیگری نسخ می‌شوند؛ احکام نسخ‌شده عادلانه و به‌عنوان حقی از سوی سبحان باقی خواهند ماند؛ و همه این احکام در چهارچوب شریعت خداوند قرار دارند؛ هر چند بعضی از تفاسیل آن با توجه به دوران، اقوام و مقتضای حکمت الهی تغییر نماید.

[۱۶]- لا يوجد عاقل يرى أن المرأة تساوي الرجل في كل شيء، ومع ذلك فلا بأس أن نعطي مثلاً من خلال هذه الفقرات من نص رسالة البابا شنودة الثالث عن رأي الكنيسة القبطية الأرثوذكسية في موضوع منح الكهنوت للنساء والتي قدمها الأنبا بيشوي في مؤتمر لامبتلأنجليكان بإنجلترا سنة 1988. قال البابا شنودة الثالث: (..... فإذا بحثنا في الكتاب المقدس وتقاليده الكنيسة القديمة نجد ما يلي: 1- عدم قيام المرأة بالتعليم في الكنيسة: وفي ذلك يقول القديس بولس الرسول: "تتعلم المرأة بسكوت في كل خضوع. ولكن لست أذن للمرأة أن تُعلم ولا تتسلط على الرجل بل تكون في سكوت. لأن آدم جُبل أولاً ثم حواء. وآدم لم يغو لكن المرأة أغويت فحصلت في التعدي. ولكنها ستخلص بولادة الأولاد إن ثبتن في الإيمان والمحبة والقداسة مع التعقل" (1 تي 2: 11 - 14). ونلاحظ أن تعليم القديس بولس الرسول في هذا المجال قد قدم تبريراً لهذا المنع لا علاقة له بالظروف الاجتماعية السائدة في ذلك الزمان ولا بالظروف الخاصة للكنيسة التي كان يراها تلميذه تيموثاوس، بل استند إلى أمور تخص الرجل والمرأة منذ بداية الخليقة وحتى قبل خروج آدم وحواء من الفردوس بسبب الخطية. فإذا علمنا أن المرأة لا ينبغي أن تعلم في الكنيسة فمن باب أولى لا يجوز منحها درجات من درجات الكهنوت حيث أن الكاهن يمارس خدمة الأسرار إلى جوار التعليم وقيادة الكنيسة في حدود مسئوليته....

10- نتائج المبالغة في إعطاء حقوق للمرأة خارج إطار تعليم الكتاب: نحن نرى العالم يندفع مسرعاً نحو تعديل ما يختص بالتعليم الكتابي. حتى وصل الأمر بالمدافعين عن حقوق المرأة إلى محاولة فرض الإنوثة على اسم الله نفسه. ومنع كلمة أبانا أو أبوكم السماوي وهنا تغيير للكتاب في مواضيع عديدة يختص بعضها بالأقنيم الإلهية وعلاقتها ببعضها، مثل علاقة الابن بالآب السماوي ويختص بعضها بالفداء وعمل المسيح الكفاري وأبوته الروحية كرئيس كهنه. 11- عقبات عملية

هناك عقبات عملية بالنسبة للمرأة في فترات الحمل والولادة والرضاعة الأمور التي تأخذ بسببها بعض النساء الموظفات عطلات طويلة من وظائفهن. وربما يؤدي الانشغال بعمل الكهنوت إلى إهمال وظيفة ربة البيت تماماً بما في ذلك تربية الأطفال... البابا شنودة - رأي الكنيسة الأرثوذكسية في كهنوت المرأة - مؤتمر لامبتلأنجليكان بإنجلترا سنة 1988 - من الموقع الرسمي للأنبا بيشوي

<http://www.metroplit-bishoy.org/arabic/dialogues.htm>

إذا فالمرأة أيضاً في العهدين القديم والجديد وفي اعتقاد الكنيسة اليوم أيضاً ليست مساوية للرجل في كل الحقوق، فهل يسمى هذا الأمر ظلماً مثلاً؟!

[۱۶] - هیچ عاقلی پیدا نمی‌شود که زن را در همه‌چیز با مرد مساوی بداند؛ با این حال مانعی وجود ندارد مثالی از رسالهٔ پاپ شنودهٔ سوم را نقل کنیم که حاکی از رأی کلیسای قبطی ارتدکس در موضوع جواز کاهن‌شدن زنان است و اسقف بیشوی آن را در کنفرانس لمبت آنجلیکان در انگلستان در سال ۱۹۸۸ مطرح کرده است.

پاپ شنودهٔ سوم می‌گوید: «... وقتی در کتاب مقدس و عقاید کلیسای قدیم جستجو کنیم موارد زیر را می‌بینیم:

۱- زن در کلیسا به آموزش نمی‌پردازد: در این خصوص قدیس پولس رسول می‌گوید: (11 زن باید در آرامی و تسلیم کامل، تعلیم گیرد 12 و به زن اجازه نمی‌دهم که تعلیم دهد یا بر شوهر مسلط شود بلکه در سکوت بماند. 13 زیرا آدم اول ساخته شد و بعد حوا. 14 و آدم فریب نخورد بلکه زن فریب خورده، در تقصیر گرفتار شد. 15 اما به زاییدن رستگار خواهد شد اگر در ایمان در محبت و قدوسیّت و تقوا استوار بماند). (اول تیموتائوس 2: 11-15)

ملاحظه می‌کنیم تعالیم قدیس پولس رسول در این زمینه توجیهی برای این ممانعت مطرح می‌کند که ارتباطی با شرایط اجتماعی در آن زمان، و شرایط خاص کلیسا که شاگردش تیموتائوس رعایت می‌کرد ندارد؛ بلکه به مواردی که از ابتدای آفرینش به مرد و زن اختصاص دارد استناد داده شده است؛ و حتی قبل از اینکه آدم و حوا بهسبب گناه از بهشت خارج شوند. حال که می‌دانیم شایسته نیست زن در کلیسا تعلیم دهد، طبیعتاً جایز نخواهد بود درجاتی از کاهن‌شدن نیز به او داده شود؛ زیرا کاهن در کنار آموزش و رهبری کلیسا وظیفهٔ انجام شعائر هفت‌گانه را نیز در حدود مسئولیت خود بر عهده دارد...

۱۰- نتیجهٔ مبالغه‌کردن در اعطای حقوق به زن که خارج از چهارچوب آموزهٔ کتاب است: ما می‌بینیم جهان بهسرعت

به سمت تعدیل آموزه‌های کتاب پیش می‌رود. حتی کار مدافعان حقوق زن به جایی رسیده است که اسم «الله» را مؤنث فرض می‌کنند و کلمهٔ «پدر آسمانی ما و شما» را منع می‌کنند و این کار موجب تغییر کتاب در مواضع بسیاری می‌شود که بعضی از آن اختصاص به اقانیم الهی و ارتباط آن با قسمت‌های دیگر دارد مانند ارتباط پسر با پدر آسمانی. و بعضی نیز اختصاص به فدا شدن و عمل کفاره‌گونهٔ مسیح و پدر روحانی‌بودن او به‌عنوان رئیس کاهنان دارد.

۱۱- موانع عملی: در خصوص زنان، در دوران بارداری، ولادت و شیردهی، موانع عملی وجود دارد؛ مواردی که بر اساس آنها تعطیلی طولانی در وظایف برخی از زنان کارمند به‌وجود می‌آید و چه بسا مشغول‌شدن به کار کاهنی به‌طور کامل او را از وظیفهٔ خانهداری باز می‌دارد؛ که تربیت کودکان نیز از جملهٔ آنهاست...» (پاپ شنوده - نظر کلیسای ارتدکس دربارهٔ کاهن‌بودن زن، کنفرانس لمبت آنجلیکان در انگلستان در سال 1988، برگرفته از وبسایت رسمی انبا بیشوی)

<http://www.metroplit-bishoy.org/arabic/dialogues.htm>

در نتیجه زن در عهد قدیم و جدید و نیز از نظر کلیسای امروز در همهٔ حقوق با مرد مساوی نیست. آیا این ظلم محسوب می‌شود؟!